



فاطمه (رضی الله عنها) نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم آمد تا از رنجی که دستش به دلیل آسیاب می‌کشد به ایشان شکایت کند و و به او خبر رسیده بود که بردگانی برای پیامبر آورده‌اند؛ اما ایشان را ملاقات نکرد، پس این مساله را با عایشه در میان گذاشت؛ پس چون ایشان (صلی الله علیه وسلم) آمد، عایشه در این مورد به ایشان خبر داد. علی می‌گوید: در حالی پیامبر نزد ما آمد که در بستر خواب خود بودیم، خواستیم برخیزیم که فرمود: «عَلَى مَكَانِكُمْ»؛ «در جای خود بمانید». پس آمد و بین من و فاطمه نشست تا جایی که سرمای پاهای ایشان را بر شکم خود احساس کردم، نگاه فرمود: «أَلَا أَدُلُّكُمْ عَلَى خَيْرٍ مِّمَّا سَأَلْتُمْ؟ إِذَا أَخَذْتُمْ مَصَاجِعَكُمْ - أَوْ أَوَيْتُمْ إِلَى فِرَاشِكُمْ - فَسَبِّحَا ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ، وَاحْمَدَا ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ، وَكَبِّرَا أَرْبَعًا وَثَلَاثِينَ، فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ مِنْ خَادِمٍ»؛ «آیا شما را به چیزی بهتر از آنچه خواستید راهنمایی نکنم؟ هرگاه به رختخواب رفتید سی و سه بار تسبیح بگویید و سی و سه بار حمد بگویید و سی و چهار بار تکبیر بگویید که این برای‌تان از خدمتکار بهتر است»

از علی - رضی الله عنه - روایت است که: فاطمه (رضی الله عنها) نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم آمد تا از رنجی که دستش به دلیل آسیاب می‌کشد به ایشان شکایت کند و و به او خبر رسیده بود که بردگانی برای پیامبر آورده‌اند؛ اما ایشان را ملاقات نکرد، پس این مساله را با عایشه در میان گذاشت؛ پس چون ایشان (صلی الله علیه وسلم) آمد، عایشه در این مورد به ایشان خبر داد. علی می‌گوید: در حالی پیامبر نزد ما آمد که در بستر خواب خود بودیم، خواستیم برخیزیم که فرمود: «عَلَى مَكَانِكُمْ»؛ «در جای خود بمانید». پس آمد و بین من و فاطمه نشست تا جایی که سرمای پاهای ایشان را بر شکم خود احساس کردم، نگاه فرمود: «أَلَا أَدُلُّكُمْ عَلَى خَيْرٍ مِّمَّا سَأَلْتُمْ؟ إِذَا أَخَذْتُمْ مَصَاجِعَكُمْ - أَوْ أَوَيْتُمْ إِلَى فِرَاشِكُمْ - فَسَبِّحَا ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ، وَاحْمَدَا ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ، وَكَبِّرَا أَرْبَعًا وَثَلَاثِينَ، فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ مِنْ خَادِمٍ»؛ «آیا شما را به چیزی بهتر از آنچه خواستید راهنمایی نکنم؟ هرگاه به رختخواب رفتید سی و سه بار تسبیح بگویید و سی و سه بار حمد بگویید و سی و چهار بار تکبیر بگویید که این برای‌تان از خدمتکار بهتر است».

[صحیح است] [متفق علیه]

می‌برد؛ و چون برای پیامبر - صلی الله علیه وسلم - اسیرانی آوردند نزد ایشان می‌رود تا خدمتکاری از میان اسیران بخواهد تا به جایش کارهای خانه را انجام دهد؛ اما ایشان را در خانه نمی‌یابد و عایشه - رضی الله عنها - را می‌یابد و او را از خواسته‌اش مطلع می‌کند؛ پس چون پیامبر - صلی الله علیه وسلم - به خانه می‌آید، عایشه ایشان را از آمدن فاطمه و درخواست یک خدمتکار مطلع می‌کند، آنگاه پیامبر - صلی الله علیه وسلم - به خانه فاطمه و علی می‌رود و درحالی‌که در رختخواب بودند و آماده خوابیدن می‌شدند، بین آن دو می‌نشیند، چنانکه علی سرمای پاهای پیامبر - صلی الله علیه وسلم - را بر شکمش احساس می‌کند؛ و می‌فرماید: آیا شما را از چیزی بهتر از درخواست خدمتکار آگاه نکنم؟ گفتند: آری، پس پیامبر - صلی الله علیه وسلم - فرمود: چون شب هنگام برای خواب به رختخواب رفتید، سی و چهار بار تکبیر بگویید یعنی الله اکبر؛ و سی و سه بار تسبیح بگویید: یعنی سبحان الله؛ و سی و سه بار حمد بگویید یعنی: الحمد لله؛ و این ذکر از خدمتکار برای‌تان بهتر است.

<https://sunnah.global/hadeeth/fa/show/6076>



النجاة الخيرية  
ALNAJAT CHARITY

